



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز ۹۷

تحلیل ژئوپلیتیکی گسست روابط سیاسی عربستان و قطر و تأثیر آن بر آینده شورای همکاری خلیج فارس^۱

حمیدرضا محمدی^۲، ابراهیم احمدی^۳

چکیده

شورای همکاری خلیج فارس پس از تأسیس در ۲۵ می ۱۹۸۱ همواره دچار تنش‌ها و اختلاف‌های درونی بوده و دولت قطر کم‌وبیش در بطن این تنش‌ها قرار داشته است. این کشور هیچ‌گاه به‌طور کامل سیاست‌قیم‌مآبانه و تحمیلی عربستان سعودی را نپذیرفته است. در تنش اخیر (۵ ژوئن ۲۰۱۷) عربستان سعودی همراه با سه کشور امارات متحده عربی، بحرین و مصر با این ادعا که دوحه به مأمّن و پناهگاه گروه‌های تروریستی تبدیل شده است روابط سیاسی و اقتصادی خود را با قطر قطع کردند. همسو با سیاست‌های عربستان، تعداد زیادی از کشورهای عربی نیز روابط خود را با قطر قطع کردند یا به حالت تلیق درآوردند. هدف این پژوهش بررسی اثرات این منازعه بر آینده شورای همکاری خلیج فارس است. مدعا این است که قطر از حیث محدودیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در ردیف کشورهای ذره‌بینی (میکرو) قرار دارد اما به واسطه توان ملی و وزن ژئوپلیتیکی بالا کشوری تأثیرگذار در سازه ژئوپلیتیکی شورای همکاری خلیج فارس است. به نظر می‌رسد ایجاد این منازعه از طرف عربستان و شرکاء بیشتر جنبه تنبیهی دارد و تلاشی است برای محدودسازی و کسب امتیاز بیشتر از قطر. با این حال فرض خروج قطر از شورای همکاری خلیج فارس یا اخراج آن زمینه‌ساز فروپاشی این سازمان ژئوپلیتیکی خواهد بود. پژوهش حاضر براساس ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی محسوب می‌شود و اطلاعات آن به شیوه اسنادی و با مراجعه به منابع معتبر گردآوری شده است.

کلیدواژه‌ها: قطر، عربستان، شورای همکاری خلیج فارس، وزن ژئوپلیتیکی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۳

۲. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی؛ رایانامه: h.mohamadi@sbu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

ebrahimahmadi1365@yahoo.com



۱. مقدمه

شورای همکاری خلیج فارس (GCC) سازمانی منطقه‌ای و بلوکی سیاسی-تجاری است که شش کشور امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی، عمان، قطر و کویت آن را تشکیل داده‌اند. این شورا در ۲۵ می ۱۹۸۱ میلادی یعنی هشت ماه پس از جنگ ایران و عراق با هدف یکپارچگی اقتصادی و نظامی کشورهای عضو تشکیل شد. ترس از دو کشور ایران و عراق، و بیش از همه، مقابله با انقلاب اسلامی ایران نقش عمده‌ای در اتحاد و همگرایی این کشورها و به‌طور کلی تشکیل این اتحادیه منطقه‌ای داشت. با اینکه شورای همکاری خلیج فارس همواره الگویی از انسجام و دیپلماسی به‌شمار آمده است میان کشورهای عضو آن اختلاف‌هایی وجود دارد و تا حدودی دچار چالش و گسست است. از جمله این اختلافات می‌توان به اختلاف بین عربستان سعودی و امارات متحده در سال ۲۰۰۹، اختلاف بین امارات و عمان در سال ۲۰۱۱، و اختلاف بین عربستان سعودی، امارات و بحرین با قطر در سال ۲۰۱۴ اشاره کرد. در ۵ ژانویه ۲۰۱۷ نیز شورای همکاری دچار اختلاف و چنددستگی میان کشورهای عضو شد. هرچند در بحران اخیر سه کشور بحرین، امارات و مصر علیه قطر با عربستان همراهی کردند ظاهراً عربستان باز یگر اصلی این منازعه و دودستگی است. از بیداری اسلامی به بعد، به واسطه نگاه متضاد و غیرهمسوی قطر و عربستان به مسائل منطقه‌ای نوعی شکاف سیاسی میان آن‌ها پدید آمد. از یک سو، قطر و عربستان سعودی در بحران‌هایی مثل بحران سوریه، عراق و یمن نوعی وحدت راهبردی داشتند و از سوی دیگر اختلاف در برخی موارد همچون حمایت قطر از اخوان المسلمین و دشمنی عربستان سعودی با این جنبش، روابط راهبردی قطر-ترکیه و نارضایتی سعودی‌ها از این رابطه، جاه‌طلبی‌های اخیر قطر و نگرانی‌های عمیق سعودی‌ها و در نهایت گسست کامل قطر از سیاست‌های عربستان سعودی در منطقه (هرچند مقطعی) سبب تحریم قطر از سوی عربستان و کشورهای دنباله‌رو شد (عالیشاهی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۹). به نظر می‌رسد این منازعه در دو مسئله اساسی ریشه دارد. نخست، سیاست مستقل قطر در شورای همکاری خلیج فارس و نقش گسترده این کشور در تحولات منطقه (کشورهای عربی) که در موارد متعددی با سیاست‌های منطقه‌ای عربستان سعودی همسو نیست و دوم، نگاه قیم‌مآبانه و قلدرمآبانه عربستان سعودی به‌طور عام در میان ملل عرب و به‌طور خاص در شورای همکاری خلیج فارس. روابط خوب قطر با سایر کشورها (ایران، ترکیه، سوریه و ...) و قدرت‌ها (ایالات متحده) و حتی گروه‌ها، جنبش‌ها و سازمان‌ها را هم باید به موارد قبلی اضافه کرد. مسائل یادشده مورد پذیرش سیاست خارجی بسته و انحصاری عربستان سعودی نیست. قطر علی‌رغم فقدان عمق سرزمینی، جمعیت کم، درصد بالای مهاجران، قرارگیری



در بین دو قدرت منطقه‌ای (ایران و عربستان)، ضعف و ابهام عقبه تاریخی، سابقه درگیری و اختلافات ارضی با همسایگان، قدرت پایین نظامی و نظام سیاسی موروثی توانسته است در سیاست خارجی، در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به موفقیت‌های گوناگونی دست یابد. این کشور به واسطه دیپلماسی میانجی‌گری، روابط با کشورهای قدرتمند، جایگاه‌یابی در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل، فعال‌سازی توان دیپلماسی رسانه‌ای، ورزشی، مذهبی، تنش‌زدایی با کشورهای همسایه و حل و فصل اختلافات ارضی، و میزبانی از کنفرانس‌های علمی و سیاسی (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۸) و ... از توان ملی و در نتیجه وزن ژئوپلیتیکی بالایی در شورای همکاری خلیج فارس برخوردار است. به نظر می‌رسد بحران کنونی دشوارترین و خطرناک‌ترین چالشی است که شورای همکاری خلیج فارس در طول تاریخ خود با آن مواجه بوده است. بدون تردید ادامه این نزاع سیاسی بر آینده و حیات شورای همکاری خلیج فارس تأثیر گذار خواهد بود.

۲. تمهیدات نظری

درک ژئوپلیتیکی از نظام بین‌الملل به‌عنوان شاکله برآمده از قدرت و در حال تحول دائمی جایگاه کشورها حاوی بصیرتی عمیق برای سیاست خارجی دولت‌ها است. حقیقت آن است که هدف نهایی ژئوپولیتیک از تشریح ساختار نظام روابط بازیگران و چارچوب‌های جغرافیایی قدرت ارائه این دیدگاه به سیاست‌گذاران است که منابع قدرت حاصل برآیند چه عناصری هستند و چگونه بر شکل‌گیری نظام ژئوپلیتیکی جهانی و روابط قدرت در سطح کروی و منطقه‌ای و نیز مناسبات بین‌المللی تأثیر می‌گذارند (عزتی، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۲). ژئوپلیتیک برای دست‌یابی به یک سیاست خارجی اثربخش و کارآمد بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به‌وجودآمده از وضعیت و موقعیت‌های در حال تحول منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. هر دولتی در فضای جغرافیایی خاص منافع خاصی دارد و آن‌ها را در عرصه بین‌المللی پیگیری می‌کند. به عبارت دیگر هیچ کشوری نمی‌تواند محتوا، جهت‌گیری و حتی اهداف سیاست خارجی خود را مستقل از ماتریس ژئوپولیتیک خود طراحی و هدایت کند.

عناصر شکل‌دهنده سیاست خارجی هر کشوری در حکم اعمال قدرت و حوزه نفوذ، وزن ژئوپلیتیکی و در نتیجه قدرت ملی آن کشور است. قدرت ملی تنها یک عنصر سیاسی نیست بلکه محصول بسیج تمامی منابع مادی و معنوی کشورها است. این مفهوم قدرت تداعی‌کننده اقتدار ملی است. اقتدار ملی ابزار اصلی یک قدرت برای پیوستن به میدان رقابت با قدرت‌های دیگر است و از مجموعه پدیده‌ها و عناصری به‌وجود می‌آید که در چارچوب دو مفهوم منافع ملی و وزن ژئوپلیتیکی یک کشور تعریف می‌شوند (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

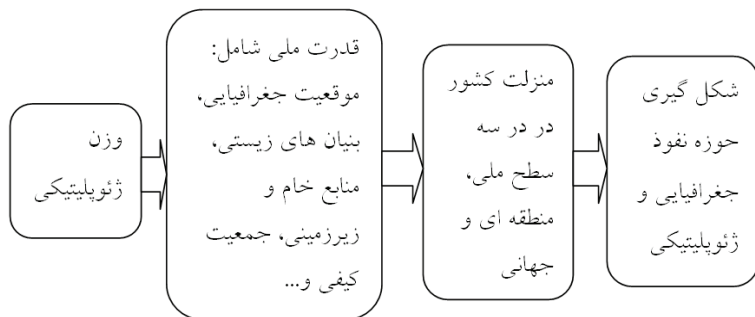


در دنیای ژئوپلیتیک پست مدرن آنچه به عنوان «قدرت» مطرح است توان یک ملت در اعمال اراده ملی خود در سطح داخلی و ورای مرزهای خود است. آشکار است که چنین قدرتی فراهم نمی آید مگر آنکه آن ملت بتواند به مجموعه‌ای از ابزارهای قانونی، سیاسی، اقتصادی و دفاعی دست یابد (همان: ۸۸).

کشورهایی که در سازمان‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای عملاً بر فرایندها و تصمیمات و اقدامات جمعی تأثیر می‌گذارند و دیگر کشورها و اقدامات و کنش آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند در میان سایر اعضای سازمان بین‌المللی و منطقه‌ای از وزن ژئوپلیتیکی و به تبع آن منزلت بیشتر و برتری برخوردارند. آن‌ها می‌توانند به تولید مجدد قدرت و فرصت‌سازی برای پیشبرد نظرات، سیاست‌ها، اهداف و برنامه‌های خود در سطح منطقه‌ای و جهانی بپردازند.

به‌طور طبیعی بین وزن ژئوپلیتیکی کشورها و جایگاه و منزلت آن‌ها در نظام بین‌المللی با قدرت ملی آن‌ها رابطه مستقیمی وجود دارد. از این منظر وزن ژئوپلیتیکی شناخت تأثیر عوامل واقعیت‌دهنده قدرت ملی است که در مجموع ممکن است اهمیت موقعیت جغرافیایی، انسانی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و دیپلماتیک یک کشور (یا یک قدرت) را تا آن اندازه بالا ببرد که آن کشور یا آن قدرت را در معادلات ژئوپلیتیکی جهانی یا منطقه‌ای صاحب نقش سازد (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۱۱)؛ واضح است که چنین قدرتی حاصل ترکیب و جمع جبری وجوه مثبت و منفی عناصر و بنیان‌های پویای قدرت آن کشور است، ضمن اینکه باید توجه داشت قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته شود، از برآیند توانایی‌های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پدیدار می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۵۱-۲۵۲). به‌طور اجمالی، وزن ژئوپلیتیکی مفهومی بنیادین در سرنوشت کشورها و فضاها و مکان‌های جغرافیایی و میزان اقتدار و قدرت بازیگری حکومت‌ها و دولت‌ها و نهادهای اجتماعی آن‌ها محسوب می‌شود؛ یعنی هر قدر وزن ژئوپلیتیکی بیشتر باشد منزلت و اعتبار عمومی کشور بین سایر کشورها اعم از بزرگتر، هم‌تراز یا کوچکتر بیشتر می‌شود و هر اندازه بر اعتبار و منزلت افزوده شود، همان اندازه فرصت‌های جدید قدرت مرئی و نامرئی برای اثرگذاری عینی و ذهنی بر فرایندها، تصمیم‌سازی‌ها، اقدامات و رفتارها در مقیاس‌های مختلف محلی و همسایگی، منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌آید و کشور می‌تواند به تدریج در جایگاه مدیریت و رهبری فرایندها و کنش‌های جمعی قرار گیرد و نقش سیاسی و بین‌المللی محوری ایفا کند (همان: ۱۰۹-۱۱۰).

تحلیل ژئوپلیتیکی گسست روابط سیاسی عربستان و قطر و تأثیر آن بر آینده شورای همکاری خلیج فارس



شکل ۱. رابطه میان وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی کشورها

۳. یافته‌های پژوهشی

۳.۱. متغیرهای مؤثر بر وزن ژئوپلیتیکی قطر

کشور قطر از حیث محدودیت جمعیت و سرزمین در زمره دولت‌های کوچک (میکرو) به حساب می‌آید اما به واسطه قابلیت‌های بسیاری که دارد در سازه ژئوپلیتیک شورای همکاری خلیج فارس از قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی بالایی برخوردار است لذا خروج احتمالی این کشور از شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند به فروپاشی سازمان مذکور بینجامد. عوامل متعددی وجود دارد که نشانگر قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی قطر است. برخی از مهم‌ترین این عوامل به شرح ذیل است:

۳.۱.۱. کارآرایی بالا از منظر شاخص‌های مهم و حیاتی

قطر با مساحتی بیش از ۱۲ هزار کیلومتر مربع و جمعیت تقریبی ۲/۵ میلیون نفر در شبه جزیره عربستان واقع شده است. ۵۵ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور حاصل درآمدهای نفتی و گازی است. قطر دارای یکی از بالاترین نرخ رشدهای درآمد سرانه در جهان است (OPEC, 2017). طبق جدیدترین گزارش‌ها نرخ بیکاری قطر در سال ۲۰۱۶ کمتر از ۰/۱ درصد بوده است. در همان سال میزان مشارکت فعال نیروی کار در این کشور به ۸۹/۱ درصد رسیده است (CEIC, 2016A). تولید ناخالص داخلی قطر در سال ۲۰۱۶ ۳۰/۳۰/۸۳۰/۱۸۲ میلیون دلار گزارش شده است (CEIC, 2016B) و این رشدی ۲/۱ درصدی است. پیش‌بینی شده است که در سال ۲۰۱۸ این میزان از رشد به ۳/۷ درصد برسد (The World Bank, 2016). همان‌گونه که در جدول‌های ۱ و ۲ نشان داده شده است از میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس قطر در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ و همچنین در سال ۲۰۱۶ بیشترین رشد را در تولید ناخالص ملی داشته است.



جدول ۱. رتبه‌بندی کشورهای خلیج فارس بر اساس تولید ناخالص داخلی (GDP)

کشور	سال	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۱۲۰۳	۲۰۱۲	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶
بحرین	۲۵/۷	۲۵/۲	۲۴/۷	۲۳/۳	۲۳/۰۴	۲۱/۰۵	۱۹/۵	
کویت	۴۰/۸	۴۹/۶	۵۲/۲	۵۳	۵۴/۵	۴۴/۹	۴۲/۰	
عمان	۱۸/۸	۲۰/۶	۲۱	۲۳/۴	۲۳/۵	۱۶/۴	۱۴/۶	
قطر	۱۰۰/۱	۹۲/۱	۹۳/۴	۹۲/۶۳	۸۴/۷	۶۹/۲	۶۲/۹	
عربستان	۲۵/۲	۲۵/۸	۲۵/۹۶	۲۵/۹	۱۹/۷	۱۶/۰۵	۱۴/۹	
امارات	۴۶/۸	۴۲/۹	۴۳/۰۵	۴۰/۴	۴۶/۴	۴۴/۵	۴۵/۵	

منبع: (<http://unctadstat.unctad.org> (16.12.2016))

جدول ۲. درصد رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (بهار ۲۰۱۶)

کشور	قطر	عربستان	امارات	امان	کویت	بحرین
شاخص GDP	۳/۲	۲/۸	۲/۵	۱/۶	۱/۳	۱/۲

منبع: The World Bank, 2016

در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۶ میلادی، میزان توسعه انسانی قطر ۰/۸۵۶ اعلام شده و این کشور جزء کشورهای با توسعه انسانی بالا به شمار آمده است. از این نظر در میان ۱۸۶ کشور قطر رتبه ۳۳ را به خود اختصاص داده است (Qatar HDR, 2016). میزان امید به زندگی در این کشور از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ رشد ۳/۴ درصدی را نشان می‌دهد. پیش‌بینی شده است تا سال ۲۰۱۸ میانگین رشد اقتصادی قطر به ۳/۶ درصد برسد (Focus Economics, 2017, September 5). درآمد سرانه این کشور از ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۵ حدود ۷۲/۶ درصد گزارش شده است (Qatar HDR, 2016: 4). در حقیقت، قطر نمونه‌ای کامل از یک دولت رانتیری است که از بالاترین رانت سرانه منابع (درآمد سرانه) در جهان برخوردار است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۹). گزارش‌های رقابت‌پذیری جهانی (۲۰۱۳-۲۰۱۴) حاکی از این است که قطر در بین کشورهای خاورمیانه، با شاخص رقابت‌پذیری ۲۴/۵ و کسب رتبه ۱۳ جهانی، بهترین جایگاه رقابت‌پذیری را به خود اختصاص داده است. بنابر گزارش رقابت‌پذیری (۲۰۱۵-۲۰۱۶) قطر با بهبود کیفیت زیرساخت‌های جاده‌ای و حمل‌ونقل از رتبه ۳۴ به رتبه اول رسیده است و از نظر کیفیت بنادر با کسب ۶/۲ امتیاز رتبه پنجم و از نظر کیفیت فرودگاه‌ها با



کسب ۵/۶ امتیاز رتبه یازدهم را به دست آورده است (Gulf Times, 2016, July 25). از جهت شاخص رقابت پذیری (جدول ۳) در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۷ قطر با رتبه جهانی ۱۸، پس از امارات (World Economic Forum, 2017: 22)، همچنان یکی از کشورهای پیشرو است.

جدول ۳. رتبه‌بندی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس براساس ارزیابی شاخص‌های رقابت‌پذیری (GCI) (۲۰۱۶-۲۰۱۷)

کشور	امارات	قطر	عربستان سعودی	کویت	بحرین	عمان	شاخص‌ها
شاخص‌های رقابت‌پذیری جهانی	۱۶	۱۸	۲۹	۳۸	۴۸	۶۶	
نهاده‌ها	۷	۱۰	۲۴	۵۹	۲۵	۲۸	
زیرساخت‌ها	۴	۱۸	۳۱	۵۲	۳۲	۳۸	
فضای کلان اقتصادی	۳۸	۲	۶۸	۶	۱۱۳	۸۱	
بهداشت و آموزش‌های ابتدایی	۴۰	۲۷	۵۱	۷۶	۳۴	۶۹	
آموزش تکمیلی	۳۴	۳۰	۴۶	۹۴	۴۴	۸۵	
کارآرایی بازرگانی کالا	۳	۷	۴۱	۸۵	۲۲	۵۱	
کارآرایی بازار کار	۱۱	۱۷	۶۵	۱۱۵	۳۵	۸۲	
توسعه بازار مالی	۲۸	۲۱	۴۷	۶۵	۴۳	۵۵	
آمادگی‌های فن‌آوری	۱۸	۳۳	۴۱	۶۰	۳۷	۵۷	
اندازه بازار	۲۸	۵۰	۱۴	۵۱	۹۲	۶۸	
تکامل کسب و کار	۱۳	۱۸	۳۱	۶۱	۳۳	۶۶	
نوآوری	۲۵	۱۸	۴۲	۱۱۰	۴۵	۷۶	

منبع: World Economic Forum, 2017: 22

به‌طور کلی، قطر در زیرساخت‌ها، مکان‌های گردشگری، اجلاس‌ها، کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌ها سرمایه‌گذاری‌های زیادی انجام داده است. ۹۵ درصد مسافران با هدف تجارت یا شرکت در اجلاس‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی یا نمایشگاه‌ها به قطر سفر می‌کنند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۷). علاوه بر این‌ها در زیر به برخی از جنبه‌ها و مزیت‌های قطر اشاره می‌شود که در بردارنده وزن ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی این کشور است.

۳.۱.۲. ژئوپلیتیک گاز طبیعی

طبق آخرین آمارها در سال ۲۰۱۶ میلادی از مجموع ۱۸۸/۶ تریلیون مترمکعب ذخایر گازی اثبات‌شده جهان بیش از نیمی از آن در اختیار چهار کشور ایران ۳۳/۵ تریلیون



مترمکعب (۱۸ درصد)، روسیه ۳۲/۳ تریلیون مترمکعب (۱۷/۳ درصد)، قطر ۲۴/۳ تریلیون مترمکعب (۱۳ درصد) و ترکمنستان ۱۷/۵ تریلیون مترمکعب (۹/۴ درصد) قرار دارد (BP, 2017: 46).

سهم کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از ۴۲/۵ تریلیون ذخایر اثبات شده خاورمیانه به این ترتیب است: قطر ۲۴/۳ تریلیون مترمکعب (۱۳ درصد)، عربستان سعودی ۸/۴ تریلیون مترمکعب (۴/۵ درصد)، امارات ۶/۱ تریلیون مترمکعب (۳/۳ درصد)، کویت ۱/۸ تریلیون مترمکعب (۱/۰ درصد)، عمان ۰/۷ تریلیون مترمکعب (۰/۴ درصد). (BP, 2017: 46). مشاهده می شود که از میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس قطر دارای بیشترین سهم تولید گاز طبیعی است.

جدول ۴. سهم تولید گاز کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از تولیدات خاورمیانه (بشکه در روز)

کشور	سال	نرخ رشد در سال						سهم		
		۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵		۲۰۱۶	
قطر	۱۳۱/۲	۱۴۵/۳	۱۵۷/۰	۱۷۷/۶	۱۷۴/۱	۱۷۸/۵	۱۸۱/۲	۱۳٪	۱۴/۶٪	۵/۱٪
عربستان	۸۷/۷	۹۲/۳	۹۹/۳	۱۰۰/۰	۱۰۲/۴	۱۰۴/۵	۱۰۹/۴	۴/۴٪	۳/۹٪	۳/۱٪
امارات	۵۱/۳	۵۲/۳	۵۴/۳	۵۴/۶	۵۴/۲	۶۰/۲	۶/۹	۲/۵٪	۲/۳٪	۱/۷٪
عمان	۲۷/۰	۲۹/۳	۳۰/۹	۳۲/۲	۳۴/۸	۳۴/۷	۳۵/۴	۱/۷٪	۶/۴٪	۱/۰٪
کویت	۱۱/۷	۱۳/۵	۱۵/۵	۱۶/۳	۱۵/۰	۱۶/۹	۱۷/۱	۱/۰٪	۳/۳٪	۵/۰٪
کل سهم خاورمیانه	۴۹۵/۴	۵۲۸/۸	۵۵۴/۷	۵۸۷/۲	۶۰۲/۶	۶۱۵/۹	۶۳۷/۸	۳/۳٪	۶/۷٪	۱۸/۰٪

منبع: BP, 2017: 28

۳.۱.۳. سیاست خارجی توسعه‌ای و عمل‌گرا

قطر، به‌عنوان دولتی کوچک، برای کاهش تهدیدات خارجی و تضمین بقای خود تلاش می‌کند در عرصه بین‌الملل تصویر مناسبی از خود ارائه دهد و بر حسن شهرت خود در سطح جهانی بیفزاید (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

قطر در سند چشم‌انداز ملی خود در زمینه‌های زیر به بازیگری در جامعه بین‌الملل ادامه می‌دهد: افزایش نقش سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه‌ای در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی، بالابردن تبادل فرهنگی با مردم عرب به‌طور خاص و با کشورهای دیگر به‌طور کلی، حمایت و پشتیبانی از



گفت‌وگویی تمدن‌ها و ترویج هم‌زیستی میان ادیان و فرهنگ‌های مختلف، کمک به صلح و امنیت بین‌المللی از طریق طرح‌های توسعه سیاسی و کمک‌های انسانی (همان: ۱۰۰). این کشور با وجود مشکلات فراوان در داخل و خارج از سرزمین خود توانسته تهدیدات ناشی از ناآرامی‌های اطرافش را به فرصت تبدیل کند، به طوری که در دهه اخیر موفق شده است از کشورهای هم‌تراز و حتی قدرت‌های برتر جایگاهی به مراتب پررنگ‌تر کسب کند (جالینوسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۸). به طور کلی سیاست خارجی قطر در دو بعد منطقه‌ای و بین‌المللی قابل پیگیری است:

الف) نقش آفرینی در تحولات خیزش عربی. سرعت تحولات با آغاز تحولات خیزش عربی حاکمان قطر را بر آن داشت که نقش چندجانبه و درعین حال متفاوتی در تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا ایفا کنند. گسترده‌گی حوادث در پهنه جغرافیای منطقه نشان‌دهنده بلندپروازی قطر از مغرب تا الجزایر، لیبی، تونس، مصر، سودان، یمن و سوریه به عنوان بارزترین صحنه برای نقش‌های متعدد این کشور است (عبدخدایی و تبریزی، ۱۳۹۴: ۱۸۵). قطر از اواسط دهه ۱۹۹۰ در درگیری‌های متعدد (دارفور، اتیوپی، اریتره، لبنان، سومالی، اسرائیل و فلسطین، یمن، صحرای غربی، افغانستان و اندونزی) سعی کرده است بین گروه‌های مختلف اسلام‌گرا و غرب نقش واسطه‌گر داشته باشد. پس از آن نیز قطر قیام‌های عربی در سال ۲۰۱۱ را فرصتی برای تحکیم موقعیت خود و به دست آوردن حسن شهرت منطقه‌ای و نشان دادن خود به عنوان حامی ملت‌های عرب دانست. پس در لیبی به عنوان حامی انقلابیون وارد عمل شد و پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت (قطعنامه ۱۹۷۳) در سال ۲۰۱۱ به همراه تعداد دیگری از دولت‌ها از جمله ایالات متحده، انگلیس، فرانسه، کانادا، دانمارک، امارات، نروژ، ایتالیا در عملیات ائتلاف بین‌المللی برای حمله هوایی به لیبی شرکت کرد (Krass, 2011: 3)، و در چارچوب نیروهای ائتلاف در کنار امارات و اردن جنگنده‌های خود را برای حمله به لیبی اعزام کرد. در تحولات یمن و بحرین، قطر به رغم همراهی با طرح‌ها و ابتکارات شورای همکاری خلیج فارس، هم‌زمان نقش میانجی متفاوتی برای خود تعریف کرده است و مخصوصاً در تلاش است از چارچوب سیاست‌های تحمیلی عربستان بر شورای همکاری خارج شود (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۱۴). همچنین قطر از جمله بازیگران عمده در بحران سوریه بوده است. قطر به مثابه بازیگر فعال و مخالف بشار اسد آشکارا از معارضان سوری از جمله اخوان المسلمین و گروه موسوم به ارتش آزاد سوریه حمایت می‌کرد اما قطری‌ها پس از تغییرات داخلی در قطر و ایستادگی دولت دمشق و همچنین تغییر موازنه قوا در منطقه و نیز در عرصه بین‌المللی مواضع جدیدی در مورد سوریه اتخاذ کردند و خواهان توقف حمایت از شورشیان مسلح، سرمایه‌گذاری نکردن مالی در بازار سیاه سوریه و نیز تغییر تدریجی رویکرد

رسانه‌های الجزیره برای پایان بخشیدن به اختلافات با سوریه شدند.

ب) طرح ریزی روابط راهبردی با قدرت‌های فرمانطقه‌ای. ضعف در محیط راهبردی قطر (به علت جمعیت پایین، وسعت کم سرزمینی و در نتیجه قدرت کم نظامی)، باعث شده است دوحه به مؤلفه دیگر واقع‌گرایی یعنی موازنه قدرت روی آورد. به این ترتیب که تلاش کرده است از طریق هم‌پیمانی، دادن امتیازات مختلف و بستن موافقتنامه‌های دوجانبه امنیتی- نظامی و برگزاری مانورهای مشترک نظامی و نشست‌ها و سمینارهای مختلف با قدرت‌های بزرگ فرمانطقه‌ای همچون ایالات متحده آمریکا و بعضاً اتحادیه اروپا و ناتو بتواند موازنه‌ای از قدرت را در برابر دیگر کشورهای منطقه ایجاد کند (جالینوسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۸). قطر در جنگ خلیج فارس به نیروهای ائتلاف اجازه داد از خاک این کشور برای حمله به عراق استفاده کنند و در سال ۱۹۹۲ با آمریکا توافقنامه‌ای امنیتی امضا کرد (Blanchard, 2014: 12). طولانی‌ترین باند هوایی خاورمیانه در جنوب دوحه، پایتخت قطر، واقع شده است و مرکز فرماندهی و پشتیبانی و پایگاه هوایی اصلی عملیات‌های جنگی ایالات متحده در افغانستان و عراق است (Ibid: 13). اکنون پایگاه العدید میزبان ۱۰ هزار تن از کارکنان آمریکایی است (Cooper and Bessma, 2011: 113-128). دولت آمریکا علاوه بر پایگاه هوایی العدید پایگاه مهم دیگری تحت عنوان «پایگاه السیلیه» نیز در قطر دارد. پایگاه السیلیه بزرگ‌ترین پایگاه آمریکایی مربوط به حفظ «تجهیزات نظامی اضافی» در خارج از این کشور است. کنگره آمریکا برای ساخت این پایگاه راهبردی در قطر بیش از ۱۱۰ میلیون دلار اختصاص داده است (Global Security, 2016, Nov 4). به‌طور کلی، قطر در اغلب رویدادهای بین‌المللی حاضر بوده و همواره در راستای خواست قدرت‌های جهانی عمل کرده است. این کشور پیوسته کوشیده است خود را به‌عنوان یک متحد بین‌المللی غرب معرفی کند. این نمایش برای قطر سه مزیت دارد: اول، امنیت قطر را در یک منطقه بی‌ثبات فراهم می‌کند. دوم، قطر را کشوری پیشرفته و تجارت‌محور معرفی می‌کند که قادر به رقابت در اقتصاد بین‌الملل است. سوم، این اتحاد بین‌المللی موجب منحرف کردن توجهات از نقاط ضعف و کاستی‌های سیاسی قطر همچون فقدان دموکراسی خواهد بود (Khatib, 2013: 418-420).

۳.۱.۴. دیپلماسی رسانه‌ای و وجهه بین‌المللی

قطر در چارچوب کسب منافع ملی و ارتقای وجهه بین‌المللی در خارج از مرزها مجموعه فعالیت‌ها و تلاش‌های هدفمندی را ذیل دیپلماسی رسانه‌ای طراحی نموده است. امروزه شبکه بین‌المللی الجزیره مهم‌ترین و برجسته‌ترین الگوی دیپلماسی رسانه‌ای اعراب است (سرخیل،



۱۳۹۵: ۱۴۱). این شبکه از طریق شکستن انحصار اطلاعاتی حکومت‌ها و اطلاع‌رسانی سریع و جذاب توانمندسازی سیاسی و افزایش اعتماد به نفس در مخاطبان برای اثربخشی بر سیاست و تصمیمات حکومت را رقم زده است (Abdelmoula, 2012: 224).

به اعتقاد هندرسون شبکه الجزیره با ظرفیت و جذابیت خبری و تحلیلی بالا می‌تواند افکار عمومی را هدایت کند و حکومت‌ها نمی‌توانند تأثیرات بسیج‌کننده آن را نادیده بگیرند (Malouf, 2008: 17). احمد شیخ یکی از سردبیران شبکه الجزیره معتقد است اگر این شبکه و پوشش خبری و اطلاع‌رسانی به‌روز و گسترده آن نبود جنبش‌های اجتماعی اخیر در جهان عرب ۱۵ سال به تأخیر می‌افتاد لذا این شبکه چرخه‌ای از تغییرات سیاسی در جهان عرب را نوید می‌دهد (Abdelmoula, 2012: 224).

ذکر این نکته مهم است که شبکه الجزیره از زمان تأسیس در صدد بود به سطح منطقه‌ای محدود نشود و تأسیس شبکه انگلیسی‌زبان الجزیره در نوامبر ۲۰۰۶ با هدف رقابت در سطح جهانی با شبکه‌های جهانی و غربی CNN و BBC بود. به‌طور کلی، الجزیره به‌عنوان ابزار دیپلماسی عمومی قطر از چند جهت در خدمت دولت قطر بوده است:

۱. مشروعیت داخلی نظام سیاسی قطر را مستحکم‌تر کرده است؛
۲. تشخیص و اعتبار دولت قطر را چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی تقویت کرده است؛
۳. به نمادی برای معرفی دولت آل‌ثانی به‌عنوان دولتی آزادی‌خواه و مردم‌دوست تبدیل شده است و محبوبیت قطر را در جهان عرب بالا برده است؛
۴. مرکزیت پان‌عرب‌یسم را حداقل در حوزه رسانه‌ای به قطر منتقل نموده است؛
۵. قدرت چانه‌زنی قطر در مناسبات بین‌المللی را تقویت کرده و حتی مواضع قدرت‌های بزرگ را نیز تحت تأثیر قرار داده است؛
۶. زمینه استفاده قطر از فرصت است؛
۷. مرکزیت دیپلماسی قطر در راستای سیاست میانجی‌گری برای حل و فصل مناقشات منطقه‌ای را تقویت کرده است (رنجبر حیدری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲۷-۲۲۸).
۸. انتقادات و اتهامات خارجی یا داخلی مبنی بر بسته‌بودن فضای سیاسی قطر را تا حدی مهار کرده است.

۴. تبیین بحران سیاسی قطر با عربستان و شرکا

با آغاز خیزش جنبش‌های مردمی در جهان عرب در سال ۲۰۱۱ و روی کار آمدن ملک سلمان



در سال ۲۰۱۵ عربستان سعودی با حفظ رویکرد جست‌وجوی امنیت/بقا در داخل راهبرد تهاجمی تری را در محیط پیرامون (بحرین، یمن و عراق) و فرایرپرامون خود (سوریه، لبنان، لیبی و مصر) در پیش گرفت. تنش میان قطر و چهار کشور عربستان سعودی، امارات، بحرین (سه عضو شورای همکاری خلیج فارس) و مصر ۱۴ روز پس از سفر دونالد ترامپ (۵ ژوئن ۲۰۱۷) به ریاض بروز کرد (Lynch, 2017: 13).

هم‌افزایی رویکرد ضدایرانی ترامپ و ملک سلمان و فرزندش محمد بن سلمان سیاست‌های اعلامی و اعمالی سه نشست عربی-آمریکایی، آمریکایی-اسرائیلی و آمریکایی-اسلامی (حضور بیش از ۵۰ کشور اسلامی) با محور ضرورت مبارزه با تروریسم و فشار چندجانبه بر حامیان بزرگ گروه‌های تروریستی (به‌زعم آمریکا) در جهت اجماع‌سازی و نهایتاً ائتلاف‌گرایی نوین منطقه‌ای/نهادی اسلامی/عربی/سنی (در قالب تشکل احتمالی ناتوی عربی/سنی) علیه ایران/شیعی/فارسی بود (Fuller, 2017).

در این هنگام، با انتشار سخنان امیر قطر در وبگاه خبرگزاری الجزیره (که البته او مصرانه آن را رد کرد و مدعی شد عربستان این وبگاه را هک کرده است) مبنی بر نقش مثبت و ثبات‌ساز ایران در منطقه، مخالفت با تحریم و قراردادن جریان‌های فلسطینی/اخوانی حماس، حزب‌الله لبنان و اخوان‌المسلمین در فهرست گروه‌های تروریستی خاکستر تنش میان دو کشور مدعی عضو شورای همکاری شعله‌ور شد. به‌طوری‌که واکنش جبهه ضدقطری/اخوانی (عربستان، امارات، بحرین و مصر) نسبت به جبهه ضدایران و شیعی پررنگ‌تر شد. عدم عقب‌نشینی قطر از مواضع خود به بیانیه مشترک مصر، عربستان، بحرین و امارات و قراردادن ۵۹ شخصیت و ۱۲ نهاد در قطر در فهرست تروریسم منجر شد و سرانجام با تشدید بحران تعامل دیپلماتیک با قطر قطع شد و محاصره اقتصادی و ارتباطی زمینی، هوایی و دریایی آن کشور آغاز گردید (حق‌شناس، ۱۳۹۶: ۲).

پس از این اتفاق بلافاصله تعداد زیادی از کشورهای عربی همسو با سیاست‌های عربستان نظیر لیبی، یمن، مالدیو، سنگال، موریتانی، چاد، کومور، نیجر، گابن و ... از این اقدام پشتیبانی نمودند و روابط خود را با دوحه قطع کردند. همچنین دونالد ترامپ در یک کنفرانس مطبوعاتی (۹ ژوئن ۲۰۱۷) در کاخ سفید انزوای قطر را سیاستی قاطع در نبرد با تروریسم ارزیابی و اعلام کرد که قطر از منظر تاریخی یکی از کشورهایی است که در سطح بسیار بالایی از تروریسم پشتیبانی مالی می‌کند. با این حال، عربستان و شرکا برای از سرگیری روابط با قطر شروط سیزده‌گانه‌ای برای این کشور تعیین کردند:

۱. قطع تمامی روابط دیپلماتیک و بستن همه دفاتر خود در ایران؛
۲. اخراج اعضای سپاه پاسداران از قطر و منحصرشدن تجارت با ایران به مواردی که با



تحریم‌های آمریکا و دیگر کشورها مغایر نباشد؛

۳. قطع روابط با سازمان‌های تروریستی مانند اخوان المسلمین، داعش، القاعده و حزب الله لبنان.

لازم است قطر رسماً این نهادها را به عنوان گروه‌های تروریستی اعلام کند؛

۴. تعطیل کردن خبرگزاری الجزیره و شعبه‌های آن در همه کشورها؛

۵. تعطیل کردن شعبه‌های خبری تحت‌الحمايه مانند عرب ۲۱، رصد، العربی، الجدید و میدل.

ایست. آی؛

۶. قطع هرگونه همکاری نظامی مشترک با ترکیه و خاتمه دادن به حضور این کشور در قطر؛

۷. توقف هر نوع کمک مالی به اشخاص، گروه‌ها یا سازمان‌هایی که عربستان سعودی و شرکا

و آمریکا و سایر کشورها آن‌ها را تروریستی می‌دانند؛

۸. تحویل دادن تروریست‌ها و افراد تحت تعقیب عربستان، امارات، مصر و بحرین که در قطر

ساکن یا پناهنده‌اند به کشورهای متبوع آن‌ها؛

۹. توقف مداخله قطر در امور داخلی کشورهای مستقل و اعطای شهروندی به اشخاص تحت

تعقیب عربستان، امارات، مصر و بحرین؛

۱۰. قطع تمامی تماس‌ها با اپوزیسیون سیاسی در عربستان، امارات، مصر و بحرین و تحویل دادن

پرونده‌های مربوط به اپوزیسیون این کشورها؛

۱۱. پرداخت غرامت بابت خسارات جانی و مالی ناشی از سیاست‌های اتخاذشده؛

۱۲. همسویی با کشورهای خلیج فارس و کشورهای عربی به لحاظ نظامی، سیاسی، اجتماعی

و اقتصادی.

۱۳. اخراج مخالفان شورای همکاری (The Associated Press, 2017, 23 Jun).

احتمال می‌رود امیر قطر برای برون رفت از این وضعیت در کوتاه مدت چهار گزینه محتمل

را دنبال کند:

۱. معامله سیاسی با عربستان (پذیرفتن بعضی از شروط سیزده گانه و نه همه آن‌ها)؛

۲. باج‌دهی / معامله اقتصادی با آمریکا؛

۳. ترکیبی از معامله سیاسی و معامله اقتصادی با عربستان و آمریکا؛

۴. تقویت ائتلاف‌گرایی منطقه‌ای و نزدیکی به ترکیه اخوانی، ایران و شاید روسیه.

باتوجه به اینکه برادر بزرگ عربستان و قطر آمریکا است و آن کشور مجبور است برای

حل تنش جانب هر دو کشور را بگیرد گزینه سوم محتمل ترین گزینه در آینده نزدیک خواهد

بود (حق شناس، ۱۳۹۶: ۳).



۵. دلایل واقعی بروز بحران

اگرچه میان عربستان سعودی و قطر وجوه مشترک هویتی، سیاسی و مذهبی وجود دارد اما از نظر تاریخی روابط قطر و عربستان سعودی بر «بی‌اعتمادی دو جانبه» استوار است. در خصوص تنش اخیر میان قطر و عربستان سعودی، که به روابط قطر با کشورهای دیگر از جمله امارات و مصر نیز سرایت کرد، می‌توان دلایل مختلفی را برشمرد. دو دلیل زیر در زمره مهم‌ترین این دلایل محسوب می‌شوند:

۱. نگاه قیم‌مآبانه و برتری‌جویانه عربستان سعودی در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس. این موضوع یکی از مهم‌ترین دلایل رویکرد خصمانه عربستان و تحت فشار قرار دادن دولت قطر است. در واقع، یکی از راهبردهای اصلی آل سعود در شورای همکاری خلیج فارس استفاده از این شورا برای برجسته‌سازی خود در جهان عرب است. تحت فشار قرار دادن قطر از طریق قطع روابط دیپلماتیک، بستن مرزها به خصوص مرز زمینی و ایجاد ناآرامی داخلی به منزله این است که آل سعود به چالش کشیدن نگاه قیم‌مآبانه و برتری‌جویانه را نمی‌پذیرد (عمادی، ۱۳۹۶ الف: ۲).

۲. سیاست‌های منطقه‌ای ناهمسوی قطر با عربستان سعودی. سیاست منطقه‌ای قطر آشکارا با سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی در تضاد است. نمونه‌های متعددی نیز می‌توان در این زمینه مطرح کرد.

نخست، در حالی که دولت قطر اعتراض‌های ضدحکومتی سال ۲۰۱۱ به بعد در خاورمیانه و شمال آفریقا را «فرصت» پنداشت، عربستان سعودی مهم‌ترین مخالف این اعتراض‌ها بود و آن را «تهدید» محسوب کرد و برای به شکست کشاندن آن‌ها هزینه‌های هنگفتی متحمل شد. دوم، عربستان جنبش‌هایی نظیر اخوان المسلمین را یک تهدید می‌داند زیرا اخوان المسلمین به نوعی در قالب یک نیروی جایگزین برای دیکتاتورهای عربی ظاهر شد. از این رو، عربستان سعودی در تروریستی اعلام شدن اخوان المسلمین نقش اصلی را ایفا کرد. این در حالی است که دولت قطر از مهم‌ترین حامیان جنبش اخوان المسلمین محسوب می‌شود. این حمایت به حدی بود که عربستان، امارات و بحرین در سال ۲۰۱۴ در اعتراض به این امر سفیران خود را از دوحه فراخواندند.

سوم، از جمله دلایل اختلاف دو کشور تا حدودی نوع رابطه آن‌ها با ایران است (عمادی، ۱۳۹۶ الف: ۲). دولت سعودی طی دو سال اخیر تلاش زیادی انجام داد تا ایران‌هراسی را به تنهایی پیش ببرد و جمهوری اسلامی ایران را همچنان یک تهدید بزرگ نشان دهد؛ موضوعی که اوج آن در نشست عربی-اسلامی ریاض با حضور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا



بود. حال آنکه برخلاف رویه عربستان دولت قطر همواره در روابط با جمهوری اسلامی ایران «مصالحه را بر منازعه، واقع‌بینی را بر جاه‌طلبی و عقلانیت را بر بربریت سیاسی» ارجحیت داده است.

به‌طور کلی، قطر با اتکا به قدرت مالی عظیم و روابط گسترده با تمامی کشورها، جنبش‌ها، گروه‌ها، نهادها و ... در تلاش است اولاً خود را از سیطره و هژمونی عربستان خارج کند و ثانیاً خود را به‌عنوان یک بازیگر مهم و تأثیرگذار در جهان عرب و اسلام مطرح سازد.

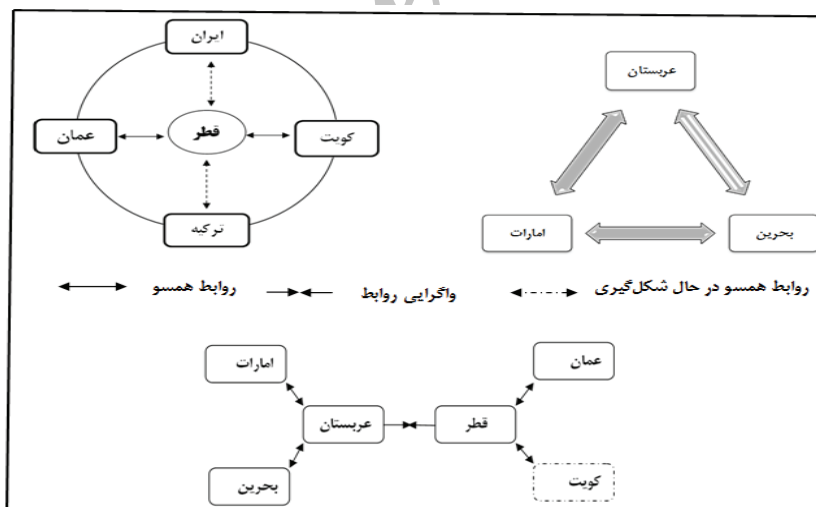
۶. تحلیل اثرات بحران بر آینده شورای همکاری خلیج فارس

شورای همکاری خلیج فارس از جمله سازمان‌هایی است که تحت تأثیر عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مشابه شکل گرفته است. کشورهای عضو سازمان مذکور از منظر جغرافیا در مجاورت هم قرار گرفته‌اند و این متغیر نقش عمده‌ای در شکل‌گیری آن داشته است. از سوی دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس از منظر اجتماعی- فرهنگی و هویتی نیز دارای اشتراکات قابل توجهی هستند. اعضای شورا بخشی از جهان عرب‌اند و پیشینه تاریخی، دین، فرهنگ و سبک زندگی اقتصادی و اجتماعی آن‌ها مشابه است (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۶: ۵). باین حال، وجود مؤلفه‌های زمینه‌سازی مانند هویت‌های فراملی- فراملی، نفت، کشمکش برای برتری منطقه‌ای، و حضور عامل مداخله‌گر خارجی (پوشش) موجب تسلط الگوی رقابتی و گاه دشمنی در روابط کشورهای این منطقه با یکدیگر شده است. نمودهای عینی این مسائل را می‌توان در وجود اختلاف‌های سرزمینی و مرزی، و تقابل دیدگاه‌های این کشورها در مورد نظم مطلوب منطقه‌ای مشاهده کرد (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۵۳).

تنش ۵ ژوئن ۲۰۱۷ میان قطر و عربستان نشان داد که در شورای همکاری خلیج فارس انسجام سیاسی وجود ندارد و این شورا به دو قطب «عربستان، امارات و بحرین» و «قطر، عمان و کویت» تقسیم شده است. در این میان قطر نگاه قیم‌آبانه و برتری‌جویانه عربستان سعودی را نمی‌پذیرد (عمادی، ۱۳۹۶ ب: ۱). البته اختلاف قطر و عربستان مختص امروز نیست؛ دو کشور از گذشته بر سر مسائل مرزی و ارضی دچار اختلاف بودند. در شرایط حال نیز با وجود اینکه قطر همواره در اردوگاه عربستان بوده کوشیده است سیاست مستقلی را از خود نشان دهد. در مقابل اتحاد سه کشور عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین مشاهده می‌شود که عمان با تمایل به قطر و با توجه به رابطه خوبی که با ایران دارد در مقابل این محور ایستاده و کویت به‌تنهایی سیاست بی‌طرفی و میانجی‌گری را اتخاذ نموده است. دولت عمان مخالف تعلیق یا اخراج قطر است. عمان بارها تأکید کرده است که در صورت ادامه این روند از شورای همکاری خلیج فارس خارج خواهد شد (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۶: ۱۱).

دولت کویت نیز تلاش کرده است ضمن میانجی‌گری بین قطر و عربستان در این اختلاف بی‌طرف باقی بماند (همان: ۱۲). بنابراین، خروج قطر از یک سو و عدم تبعیت کویت و عمان از مواضع تهاجمی سعودی علیه دوحه از سوی دیگر سبب تضعیف این شورا خواهد شد. درحقیقت با خروج قطر از این اتحاد عربستان سعودی یقیناً متضرر بزرگ لقب خواهد گرفت. این امر زمانی ملموس‌تر خواهد شد که درنظر داشته باشیم شکاف سیاسی دیگر کشورهای عربی منطقه همچون سوریه، عراق و یمن با سیاست‌های ریاض نیز به تدریج عمیق‌تر شده است. بنابراین، بحران مشروعیت و سروری آل سعود بر منطقه به‌طور روزافزون در حال افول است (Chollet & et al, 2017: 21-22).

می‌توان ادعا کرد این تحولات فرصتی برای نزدیکی بیشتر ایران به قطر و در کنار آن کویت و عمان است (Lynch, 2017: 14). البته نباید به اشتباه تصور کرد که این منازعه سیاسی باعث ورود قطر به اردوگاه ایران می‌شود زیرا بعید است قطر با نزدیکی به ایران منافع خود با عربستان، آمریکا و سایر دولت‌های عربی را به خطر بیندازد کما اینکه با وجود اختلافات دیرین با عربستان، در اغلب تحولات منطقه‌ای، قطر در کنار عربستان به ایفای نقش پرداخته است و درحقیقت این قطر بوده است که در چنین موقعیت‌هایی توانسته از وزن ژئوپلیتیکی ایران به نفع خود بهره‌برداری کند.



شکل ۲. وضعیت تریببات و قطب‌بندی‌های موجود در شورای همکاری خلیج فارس



به‌طور کلی شورای همکاری خلیج فارس سازمانی سیاسی، اقتصادی و امنیتی است که با هدف افزایش هماهنگی و گسترش روابط در همهٔ زمینه‌ها ایجاد شد. اگرچه امروز قطر مرکز توجه‌ها و بحران است اما پیامدها و زیان‌های بحران مذکور تنها به قطر محدود نخواهد ماند و تمامی طرف‌ها باید زیان‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از بحران اخیر را پرداخت کنند.

با بحران اخیر طرح اتحادیهٔ خلیج فارس دچار رکود شد. ضمن اینکه بحران اخیر آتش اختلافات گذشته را نیز شعله‌ور ساخت؛ اختلافاتی همچون اختلاف عمان و امارات در سال ۲۰۱۱ و اختلاف عربستان با قطر در سال ۲۰۱۴ بر سر سوریه. در عرصهٔ اقتصادی نیز شورا در بحران اخیر متحمل زیان‌های فراوانی شده است. برای مثال، حدود ۲۰ درصد از کل واردات قطر و حدود نیمی از گردشگران این کشور به دیگر کشورهای حوزهٔ خلیج فارس متکی است و از این نظر متضرر شده است. این بحران بر شرکت‌های منطقه که در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کنند نیز اثر خواهد گذاشت (دنیای اقتصادی، ۱۳۹۶). عربستان و امارات مشترکاً چهارمین کشور بزرگ سرمایه‌گذار در قطر هستند و ۸۵ درصد از سرمایه‌گذاری خارجی قطر را برعهده دارند. ارزش تبادل تجاری میان کشورهای عضو و قطر قریب به ۱۱ میلیارد دلار است و بحران شورا این مقدار را کاهش داده است. همچنین قطر یکی از پایگاه‌های اساسی حمل‌ونقل هوایی شرکت‌های کشورهای عضو شورا است و در وضعیت کنونی و محاصرهٔ دریایی، زمینی و هوایی دوحه همهٔ کشورها متضرر می‌شوند. نزدیک به ۴ هزار نفر از کشورهای عضو شورا برای سرمایه‌گذاری در قطر مجوز گرفته‌اند که وضعیت آن‌ها تحت تأثیر بحران اخیر نامشخص است. بیش از ۵ هزار قطری هم در کشورهای عضو مجوز سرمایه‌گذاری دارند و بحران شورا آن‌ها را متضرر ساخته است (طلب، ۲۰۱۷).

بحران مذکور بر تمامی شئون سیاسی، اقتصادی و امنیتی شورای همکاری خلیج فارس تأثیر منفی برجای گذاشته است و در حقیقت موجودیت و ماهیت این شورا را به چالش کشیده است. در یک حالت بدبینانه ادامهٔ این وضعیت از جانب عربستان و شرکا با وجود گسست‌های بسیاری که هم‌اکنون در شورای همکاری خلیج فارس وجود دارد ممکن است به تدریج مقدمات فروپاشی شورای همکاری خلیج فارس را فراهم آورد.

۷. نتیجه

به‌طور حتم در پشت صحنهٔ این بحران طراحی شده و تحمیلی از جانب عربستان و شرکا عواملی غیر از نگرانی سعودی‌ها از تروریسم نهفته است. با این حال تداوم این بحران ضمن ایجاد چالش‌هایی برای قطر در کوتاه‌مدت هر دو طرف منازعه را در موقعیتی دشوار قرار داده است و نبود ارادهٔ جدی برای حل آن می‌تواند در آینده برای طرفین



منازعه به‌ویژه عربستان سعودی پیامدهایی جدی به همراه داشته باشد. قطعاً خروج قطر از شورای همکاری خلیج فارس تهدیدی جدی برای موجودیت این شورا است. سعودی‌ها نیز به‌خوبی به این مسئله واقف‌اند. ضمن اینکه خروج قطر از شورای همکاری خلیج فارس به‌خودی‌خود می‌تواند دیگر کشورهای سرخورده از سیاست‌های عربستان همانند عمان (با تمایل به ایران) و کویت (به‌عنوان یک بی‌طرف) را برای خروج از شورا تحریک کند. همان‌گونه که به تفصیل به آن پرداخته شد در سیاست خارجی تعاملی قطر هیچ کشور و حتی گروهی بیگانه و غیرخودی نیست. با این توضیحات به نظر می‌رسد عربستان سعودی، با وجود رقاباتی چون ایران و گرافتادن در تنگنای سیاسی موجود (بحران‌های سیاسی منطقه)، سیاست اخراج قطر از شورای همکاری را دنبال نکند. به همین دلیل می‌توان گفت که عربستان تمایلی به اخراج قطر از شورا ندارد. احتمالاً در سیاست عربستان مسئله اخراج قطر از شورای همکاری به‌منابۀ ابزار تهدید به‌منظور فشار بیشتر به دوحه برای پذیرش شرایط تحمیلی و کسب امتیاز است. بنابراین چنانچه بخواهیم با نگاهی واقع‌گرایانه سناریوهایی برای آینده این بحران حدس بزنیم احتمالاً بهترین گزینه حل بحران با میانجی‌گری یک کشور ثالث و بی‌طرف یا یک کشور دوست با منافع خاص خود (در هر دو کشور) همانند ایالات متحده است. از این زاویه می‌توان گفت پس از فروکش کردن تنش کنونی، که مشابه آن در سال ۲۰۱۴ در یک سطح محدودتر اتفاق افتاد، زمینه‌ها برای سناریوی آشتی و حل و فصل اختلاف‌ها فراهم خواهد شد. اگرچه از منظر واقعیت‌های سیاسی و ژئوپلیتیک نباید این مسئله را نادیده گرفت که بخشی از تنش کنونی برآمده از نگاه بعضاً متفاوت دو کشور به ماهیت نظم منطقه‌ای و ائتلاف‌ها و صف‌بندی‌های منطقه‌ای است که باعث شده است نمود خود را در تنش کنونی به‌تصویر بکشد. در یک نگاه بدبینانه چنانچه این بحران حل و فصل نشود بی‌شک موجودیت سیاسی و حیات شورای همکاری به‌خطر خواهد افتاد.

کتابنامه

- اسدی، علی‌اکبر. ۱۳۹۰. «نقش قطر در خیزش‌های مردمی جهان عرب». فصلنامه‌ی رمانه‌ی سیاست‌گذاری. سال ۲. شماره ۴. صص ۱۰۵-۱۲۴.
- اندیشکده‌ی راهبردی تبیین. ۱۳۹۶. «قطر و شورای همکاری خلیج فارس؛ تعلیق یا اخراج». مجموع مقالات اندیشکده. [۱۱/۵/۱۳۹۶]
- جالینوسی، احمد، یگانه‌سادات طباطبایی و هنگامه البرزی. ۱۳۹۴. «نقش آفرینی قطر در منطقه خلیج فارس با توجه به مناقشات اخیر خاورمیانه». دوفصلنامه‌ی بیداری اسلامی. دوره ۴. شماره ۸. صص ۱۲۶-۹۲.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. ۱۳۸۵. اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پایلی.



حق شناس، محمدرضا. ۱۳۹۶. «بحران قطر و ضرورت پیشبرد پروژه جان‌ساز از سوی عربستان». شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی. شماره مسلسل: ۳۳۰۰۳۳۱. شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳-۲۹ خرداد.

خلیلی، محسن، جهانگیر حیدری و حسین اصغری ثانی. ۱۳۹۲. «فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت آفرین/ خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا (نمونه پژوهی: قطر)». فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی. سال ۲. شماره ۸. صص ۷۷-۱۲۲.

دنیای اقتصادی. ۱۳۹۶. برندگان اقتصادی بحران قطر. روزنامه دنیای اقتصادی [نسخه الکترونیکی]. شماره ۴۰۶۹. قابل دسترس در: [24/05/1396] [donya-e-eqtasad. Com/.../5/1104615].
رنجبر حیدری، وحید، محمدرضا فرجی و ابراهیم جمشیدی. ۱۳۹۴. «نقش شبکه خبری الجزیره در دیپلماسی رسانه‌ای قطر». فصلنامه سیاست جهانی. دوره ۴. شماره ۱. صص ۲۰۳-۲۳۵.
سازمند، بهاره و مهدی جوکار. ۱۳۹۵. «مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پویش‌ها و الگوی روابط کشورهای خلیج فارس». فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک. سال ۱۲. شماره ۲. صص ۱۵۱-۱۷۷.
سرخیل، بهنام. ۱۳۹۵. «تطور دیپلماسی در قطر: از بی‌طرفی محافظه‌کارانه تا نفوذ هوشمند». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. سال ۱۲. شماره ۳۵. صص ۱۲۷-۱۵۶.

طلب، احمد. ۲۰۱۷. «کل ما قد تردید معرفته عن البراحین و الخاسرین اقتصادياً من الأزمة الخليجیه». قابل دسترس در: [https://www.sasapost.com/all-you-might-want-to-know]

عالیشاهی، عبدالرضا، حسین مسعودنیا و یونس فروزان. ۱۳۹۶. «بررسی روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی؛ از تبیین همگرایی تا گسست سیاسی (از بیداری اسلامی تا بحران قطع روابط در ژوئن ۲۰۱۷)». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۷. شماره ۲۴. صص ۴۹-۷۲.
عبدخدایی، مجتبی و زینب تبریزی. ۱۳۹۴. «بررسی نقش آفرینی قطر در مسئله فلسطین بعد از تحولات منطقه». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. سال ۴. شماره ۱۵ (پیاپی ۴۵). صص ۱۷۹-۲۰۰.
عزت‌ی، عزت‌الله. ۱۳۸۴. ژئواستراتژی. تهران: انتشارات سمت.

عمادی، سیدرضی. ۱۳۹۶ ب. «تنش قطر با عربستان و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران». شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی. شماره مسلسل: ۳۳۰۰۳۳۷. شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳-۲۹ [۱۳۹۶/۴/۱۱]

عمادی، سیدرضی. ۱۳۹۶ الف. «تنش در روابط عربستان و قطر: ریشه‌ها و پیامدها». شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی. شماره مسلسل: ۳۳۰۰۳۲۷. شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳-۲۹ [۱۳۹۶/۳/۲۳].
مجتهدزاده، پیروز. ۱۳۹۱. فلسفه و کارکرد ژئوپلیتیک (مفاهیم و نظریه‌ها در عصر فضای مجازی). چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.

Abdelmoula, Ezzeddin. 2012. *Al-Jazeera's Dmocratizing Role and the Rise of Arab Public Sphere*. Ph. D Thesis. University of Exeter.

Blanchard, Christopher M. 2014. "Qatar: Background and U. S. Relations, Congressional Research Service, Informing the Legislative debate since 1914". *Specialist in Middle Eastern Affairs*. [Accessed January 30, 2014]

Chollet, Derek and Other. 2017. "U. S. Commitments in the Middle East: Advice to the Trump Administration". *Journal of Middle East Policy*. Vol 24. No 1. pp 5-34.



- CEIC. 2016 A. "Qatar Population, A Euro money international investor company". Available at: <https://www.ceicdata.com/en/indicator/qatar/population>
- CEIC. 2016 B. "Qatar Natural Gas Production: OPEC: Marketed Production, A Euro money international investor company". Available at: <https://www.ceicdata.com/en/.../qatar/natural-gas-production-OPEC-marketed-producti>
- Cooper, Andrew. F and Bessma, Momani. 2011. "Qatar and Expanded Contours of Small State Diplomacy". *The International Spectator*. Vol. 46. No. 3. Pp. 113-128.
- Focus Economics. 2018. "Economic Forecasts from the World's Leading Economists". [Accessed January 9, 2018]. Available from: <https://www.Focus-economics.com/Countries/Qatar>
- Fuller, Graham. 2017. "Does Qatar Really Threaten the Gulf?". [Accessed June 14, 2017]. Available at: <http://grahamefuller.com/does-qatar-really-threaten-the-gulf/>
- Gulf Times. 2016. "Qatar Ranks 14th in Global Competitiveness Report; stands first in region". [Accessed July 25, 2016]. Available at: www.Gulf-times.Com/story/.../Qatar-Ranks-14th-in-Global-Competitiveness-Repor
- Global Security. 2016. "Al Udeid Air Base, Qatar". [Accessed Nov 4, 2016]. Available at: <http://www.globalsecurity.org/military/facility/udeid.htm>
- Khatib, Lina. 2013. "Qatar's foreign policy: the limits of pragmatism". *International Affairs*. Vol. 89. pp 417-431.
- Krass, Caroline. 2011. "Authority to Use Military Force in Libya". *Opinions of the Office of Legal Counsel*. Vol. 35.
- Lynch, Marc. 2017. "Three big lessons of the Qatar crisis". *The Qatar Crisis. The Project on Middle East Political Science*. Pp. 1-73.
- Malouf, Anthony A. 2008. "Influence of Aljazeera in the Arab World and the Responses of Arab Governments". M. A Thesis in Political Sciences. Villanova University.
- OPEC. 2017. "Qatar facts and figures". Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC).
- The World Bank. 2016. "Qatar's Economic Outlook-Fall 2016". Available at: www.Worldbank.org/en/country/gcc/publication/qatars-economic-outlook-fall-2016
- The Associated Press. 2017. "List of demands on Qatar by Saudi Arabia, other Arab nations". [Accessed Jun 23, 2017]. Available at: <https://www.apnews.com/.../List-of-demands-on-Qatar-by-Saudi-Arabia,-other-Arab-n>
- World Economic Forum. 2017. "The Global Competitiveness Report 2016-2017". Pp. 1- 400.
- BP. 2017. "BP Statistical Review of World Energy". Pp. 1-50.